

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۴-۵۳ New Period 4, No 32, 2021, P 53-64

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

بررسی زندگی و اندیشه‌های ریچارد هوگارت

فاطمه یمینی

دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، ایران

yaminizohreh@yahoo.com

چکیده

رشته مطالعات فرهنگی مدیون مؤسس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر یعنی ریچارد هوگارت است. او در تقابل با اندیشه مکتب فرانکفورت، در مکتب بیرمنگام فرهنگ عامه را به عنوان یک موضوع، مورد بررسی قرار می‌داد و مخالف بی ارزش جلوه دادن فرهنگ عامه، خصوصاً فرهنگ طبقه کارگر نبود. هوگارت همواره بر آموزش حساسیت و آگاهی انتقادی در برابر اغواگری‌های دخیل و تصرف کنندگان در ارتباطات توده‌ای تأکید داشت و هدف آموزش را «رشد تخیلی مسئول و پاسخگو» می‌دید. او در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه‌های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر و بسیاری از موضوعات دیگر پرداخته است و آثار وی رنگ تجربه‌های زندگی اش را دارد مانند اثر «کاربردهای سواد» که به تفسیر زندگی طبقه کارگر و فرهنگ آنان در بستر تاریخی می‌پردازد و رشد فزاینده افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می‌داند. از نظر او، رسانه‌های چاپی جدید به فرهنگ طبقه کارگر صدمه وارد کرده است. فرهنگ طبقه کارگر باید تمجید می‌شد نه فرهنگ اقلیت تیزهوش. همچنین هوگارت، ضعف سواد در افراد جامعه را متأثر از نشریات و داستان‌های عامه پسند می‌داند. به نظر هوگارت، فرهنگ برآمده از رسانه‌های جمعی، فرهنگ توده وار است که سیراب کننده روح نیست بلکه تجارت زده و انتزاعی است. هوگارت، دغدغه بین فرد و جامعه را داشت و آثار هنری را فقط تقویت کننده تخیل انسان‌ها می‌دانست. به اعتقاد وی، اهمیت هنر در عامل تمدن سازی برای فرد و جامعه است. او فرهنگ توده را به تمامی محکوم نمی‌کند و به فرهنگ توده مانند فرهنگ ترکیبی یا تدارک دیده می‌نگرد.

واژه‌های کلیدی: هوگارت، آموزش، آگاهی انتقادی، رسانه‌ها، فرهنگ عامه.

مقدمه:

ریچارد هوگارت، بنیانگذار مطالعات فرهنگی بریتانیا در دوران پس از جنگ جهانی دوم است. او به عنوان مؤسس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر، پایه گذار اندیشه ای جدید بود و توانست شرایط را برای شکل گیری مکتب بیرمنگام فراهم کند. برای اولین بار موضوع فرهنگ عامه را به گونه ای متفاوت مطرح و از آن دفاع کرد. پیش از او «فرهنگ عامه»، جهت اشاره به آثار نازل تر یا آثاری که آگاهانه و عامدانه برای جلب توجه عامه مردم تولید می شدند، تلقی می شد ولی پس از مطرح شدن اندیشه هوگارت، «فرهنگ عامه» معنای خنثی تری یافت. به آثاری اطلاق شد که مردم دوستانه دارند و با علاقه بسیار از آن ها استفاده می کنند. فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم، آن بار معنایی منفی خود را از دست داد و پذیرفته شد. از آن به بعد، این واژه جهت اشاره به آنچه به لحاظ اقتصادی کارآمد و فارغ از سلطه نخبه گرایی است، فرهنگی آزاد محسوب می شود. هوگارت، از روشنفکران طبقه کارگر جامعه بود و خود را منتقد نخبگان فرهنگی معرفی می کرد و چون تجربه زیسته تولد و زندگی در میان طبقه کارگر را داشت، نقش بسیار مهمی در بازتعریف فرهنگ طبقه کارگر داشت. از سوی دیگر، به جهت تدریس ادبیات در کلاس های آموزش بزرگسالان، به نظریه پردازی مهم در حوزه آموزش هنر، ادبیات و رسانه ها تبدیل شد به طوری که مهم ترین کتابش به نام «کاربردهای سواد»، مورد بحث و بررسی بسیاری از اندیشمندان مطرح دنیا قرار گرفته است. در واقع به اثری زمان شمول تبدیل شده است که تاریخ انقضاء ندارد و تا قرن ۲۱ ام هنوز هم مورد توجه اندیشمندان و نظریه پردازان رشته مطالعات فرهنگی است. از هوگارت، نزدیک به ۲۵ اثر منتشر شده است که هیچ یک از آن ها به زبان فارسی ترجمه نشده اند و هر یک از آن ها به نوبه خود، از محتوای غنی برخوردارند.

پیشینه:**منابع داخلی:**

در مورد ریچارد هوگارت منابع داخلی چندانی اعم از پایان نامه و مقاله علمی - پژوهشی در دسترس نیست و از بین منابع داخلی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

مهدی زاده در مقاله "ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار"، می نویسد: هوگارت، کارکرد رسانه های جمعی را دخل و تصرف در فرهنگ اصیل و رواج فرهنگی مصنوعی، بی رنگ و رو و پیش پا افتاده می داند. فرهنگ برآمده از رسانه های جمعی، فرهنگ توده وار است که سیراب کننده ی روح نیست، بلکه تجارت زده و انتزاعی است. اغلب سرگرمی هایی که رسانه ها برای توده ی مردم تدارک می بینند، «ضد زندگی»، پر از زرق و برق، دارای جاذبه های سوء و فاقد مسئولیت های اخلاقی هستند. سرگرمی ها مبلغ این نظرند که پیشرفت یعنی به دنبال مالکیت های مادی رفتن، برابری یعنی یکسان بودن ارزش های اخلاقی و آزادی یعنی زمینه ای برای ارزش های بی قید و بی پایان. همچنین، هوگارت در کتاب کاربردهای سواد، رشد فزاینده ی

افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه ی ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می داند (مهدی زاده: ۱۳۹۲).

رضایی در کتاب "مطالعات فرهنگی، دیدگاه ها و مناقشات"، ریچارد هوگارت را از چهره های مطرح و پیشرو در رشته «مطالعات فرهنگی» می نامد که در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر، و بسیاری دیگر از موضوعات پرداخته است. بسیاری از آثار او مانند «زندگی نامه های خودنوشت» تجربه های شخصی او را در زندگی بیان می کند. چون او در یک خانواده متعلق به طبقه کارگر متولد شده و بالیده بود همواره از تجربه های خود در آثارش استفاده می کرد. به همین دلیل، آثار وی رنگ تجربه های زندگی اش را دارد. او وجوه مختلف این تجربه را به شکل های متنوع در آثارش بررسی کرده است. نزدیک به ۲۵ اثر از او منتشر شده است که توانسته بخشی از آثار او را به همراه محتوای آن ها معرفی کند. همچنین به تمایز مکتب فرانکفورت و مکتب بیرمنگام می پردازد به طوری که اولی نگاه از بالا به پایین دارد ولی دومی نگاهی به فرهنگ عامیانه و غیر نخبه گرا دارد (رضایی، ۱۳۸۶).

بهروش در مقاله "آشنایی با زندگینامه و آراء ریچارد هوگارت"، معتقد است هوگارت با نگارش کتاب معروف کاربردهای سواد (۱۹۵۷) و بر عهده گرفتن مدیریت مرکز مطالعات فرهنگی معاصر بیرمنگام در نخستین سال های تأسیس این مرکز نقش مهمی در این زمینه ایفا کرد.

هوگارت در خانواده ای از طبقه کارگر در لیدز به دنیا آمد و پس از گذراندن خدمت سربازی در جبهه جنگ به تدریس ادبیات انگلیسی در کلاس های آموزش بزرگسالان در دانشگاه هال مشغول شد. برخی بر این باورند که این تجربه نه تنها برای موقعیت شغلی و دانشگاهی هوگارت، بلکه برای بسط و گسترش مطالعات فرهنگی به معنای دقیق کلمه، تجربه ای حیاتی بود. برخی از نخستین نمایندگان اصلی مطالعات فرهنگی (از جمله ریموند ویلیامز) در ابتدا در کلاس های آموزش بزرگسالان تدریس می کردند و عملاً با کسانی که به دلایل اقتصادی یا مسائل دیگر نمی توانستند به نهادهای آموزشی رسمی تر راه یابند در تماس بودند. بنابراین مطالعات فرهنگی تا حدی بر اثر تلاش این افراد برای برقراری پیوندی میان نقد ادبی (و علوم اجتماعی و سیاسی) و کسانی که آن سوی مخاطبان عادی دانشگاهی قرار داشتند، به وجود آمد. کاربردهای سواد که نوعی گردآوری اسناد [و مصداق های] فرهنگ طبقه کارگر پیش از جنگ و تحلیل آنهاست، چنین خوانندگانی را مخاطب قرار می دهد.

هوگارت فنون مطالعات ادبی را وارد این فرهنگ می کند اما وی آنها را [عمدتاً] در مورد محصولات و مصنوعات فرهنگی (نظیر روزنامه ها، مجلات، موسیقی و ادبیات عامه پسند) به کار می بندد. به باور بهروش، کاربردهای سواد [اعتبار زیادی برای هوگارت به ارمغان آورد] و او را عملاً به مرجع عمومی در زمینه فرهنگ عامه و رسانه ها تبدیل کرد (از جمله می توان به حضور او در محاکمه ناشران رمان معشوق خانم چترلی برای دفاع از متهمین اشاره کرد (بهروش، ۱۳۸۷)).

منابع خارجی:

مقاله سیمکین (Simkin) با عنوان "ریچارد هوگارت"، هوگارت، راه را برای توزیع قانونی رمان‌هایی که قبلاً ناپسند تلقی شده بودند، باز کرد. به عنوان مثال، در طی یک سال از انتشار رمان "عاشق لیدی چترلی"، بیش از ۲ میلیون نسخه فروخته شد. هوگارت، پس از آن به دانشگاه بیرمنگام منتقل می‌شود و سپس در سال ۱۹۶۴ مرکز مطالعات فرهنگی معاصر را تأسیس می‌کند. همان طور که گاردین خاطر نشان کرد: "پایه‌های مطالعات فرهنگی اصرار بر جدی گرفتن اشکال فرهنگی محبوب و پایین جامعه و ردیابی رشته‌های درهم تنیده فرهنگ و سیاست است (سیمکین، ۲۰۱۴).

مقاله مک گرات (McGrath) تحت عنوان "میراث ریچارد هوگارت و کاربردهای جدید سواد" به کاربردهای جدید سواد اشاره می‌کند. هوگارت از اولین دانشجویان طبقه کارگر بود که زندگی طبقه کارگر را در تحقیقات خود محور قرار داد و غیر منتظره‌ترین مورد برای یک منتقد ادبی (هوگارت) تأثیر او بر دانشمندان و نویسندگان ادبیات برابر بود. هوگارت در نیمه اول "کتاب کاربردهای سواد" جزئیات دقیق و غم‌انگیزی راجع به زندگی روزمره طبقه کارگر نوشته و در نیمه دوم کتاب، در مورد رابطه طبقه کارگران با رسانه، فرهنگ و ادبیات بحث می‌کند. هوگارت انتقاد می‌کند که چگونه طبقه‌های کارگر در ارزان‌ترین سرگرمی‌ها، در داستان‌های مجله احساساتی می‌شوند و با واقعیت‌های عاطفی و اقتصادی وجود طبقه کارگر درگیر می‌شوند. بنابراین نتوانست برای اکثر مردم یا حتی با اکثریت مردم صحبت کند. وی همچنین به روزنامه‌های ممتاز به دلیل ریزه‌خواری بیش از حد در برابر خوانندگان حمله کرده و تأکید می‌کند که بیشتر اینگونه نشریات به طور فزاینده‌ای تحت کنترل بزرگان نشر عظیم قرار می‌گیرند. هوگارت در کاربردهای سواد، جنبه‌های زندگی طبقه کارگر را با اشاره ویژه به نشریات و سرگرمی‌ها، مجدداً بازنویسی کرد. به باور هوگارت، در "کاربردهای جدید سواد" به عنوان یک مربی در مطالعات فرهنگی، برخی از اصلی‌ترین و موفق‌ترین کارهایی که در دانش آموزان دیده است پاسخ مستقیم به "کاربردهای سواد" بوده است. به طور خلاصه، کاربرد سواد، گرچه هنوز هم طنین انداز است، اما از بسیاری جهات در قرن ۲۱ نیز قدمت دارد (مک گرات، ۲۰۱۴).

مقاله گروسبرگ (Grossberg) تحت عنوان "یک سرمقاله خاص"، هم سردبیری تد استریپاس را افتتاح می‌کند و هم در مشارکت‌های لورنس گروسبرگ، سردبیر قدیمی مطالعات فرهنگی، تأمل می‌کند. سنجش وضعیت رفاه مطالعات فرهنگی، در این زمینه، با تأمل مختصر در تحولات ژورنال طی ۲۸ سال گذشته، آغاز می‌شود. در اینجا ادعا می‌شود که مطالعات فرهنگی نسبت به گذشته در تفکر اصول اولیه وقت و توجه کمتری را صرف می‌کند و بنابراین آینده این رشته تا حدی به این پرسش بستگی دارد که، آیا مفاهیم اصلی وظیفه پاسخگویی به سوالات سیاسی فوری زمان ما را دارند یا خیر؟ در این مقاله، مفهوم فرهنگ، به ویژه با توجه به سنت "فرهنگ والا" بسیار بدخیم (در واقع، به طور شایسته ای بدخواهانه) تجدید ساختار می‌شود. نویسنده عقب نشینی خود را از یک خط نظری زودگذر مشخص می‌کند که در آن

فرهنگ نشان دهنده مراقبت است، در مقابل تبعیت از منافع اشرافی و سبک‌های زیبایی‌شناسی است. این حرکت مفهومی زمینه‌ای را برای بحث اصلی مقاله فراهم می‌کند، یعنی اینکه مطالعات فرهنگی برای مطابقت با نام و جاه‌طلبی‌های فکری-سیاسی خود، باید زمان قابل توجهی را به مراقبت از زیرساخت‌هایی که مجموعه ایده‌های آن را حفظ می‌کند اختصاص دهد (گروسبرگ، ۲۰۱۴).

ریچارد هوگارت: (۲۰۱۴ مرگ-۱۹۱۸ تولد)

زندگی نامه:

- ۱۹۱۸: در خانواده‌ای از طبقه کارگر در لیدز انگلستان متولد شد.
- ۱۹۲۶: والدین خود را از دست داد و همراه با مادر بزرگش شروع به زندگی کرد.
- ۱۹۳۶: بورس تحصیلی دانشگاه لیدز (Leeds University) را در رشته ادبیات انگلیسی کسب کرد.
- ۱۹۴۵-۱۹۳۶: در دانشگاه لیدز ادامه تحصیل داد و برای سربازی در جنگ جهانی دوم به ارتش پیوست.
- ۱۹۴۶: در دانشگاه هال انگلستان (University of Hull) به تدریس ادبیات انگلیسی در کلاس‌های آموزش بزرگسالان مشغول شد (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۶).
- ۱۹۵۷: کتاب کاربردهای سواد (The Uses of Literacy) را منتشر می‌کند. این کتاب نوعی گردآوری اسناد و مصداق‌های فرهنگ طبقه کارگر پیش از جنگ و تحلیل آن‌هاست. چنین خوانندگانی را مخاطب قرار می‌دهد. کتابی که هوگارت را عملاً به مرجع عمومی در زمینه فرهنگ عامه و رسانه‌ها تبدیل کرد (بهروش، ۱۳۸۷).
- ۱۹۶۰: در جلسه محاکمه ناشران رمان «معشوق خانم چترلی» به دفاع از متهمین می‌پردازد.
- ۱۹۶۲: به دانشگاه بیرمنگام منتقل می‌شود.
- ۱۹۶۴: مرکز مطالعات فرهنگی معاصر را تأسیس می‌کند (Centre for Contemporary Cultural Studies)
- ۱۹۶۸: همکاری خود را با استوارت هال در مرکز مطالعات فرهنگی شروع می‌کند.
- ۱۹۶۹: دانشگاه را ترک کرده و معاونت مدیر کل سازمان یونسکو را به عهده می‌گیرد.
- ۱۹۷۵: از یونسکو استعفا می‌دهد.
- ۱۹۷۸: نوشتن کتابی انتقادی درباره یونسکو به نام «ایده‌ایی و مروجانش» (An Idea and Its Servants)
- ۱۹۷۸-۱۹۸۴: ریاست کالج گلداسمیت (Goldsmiths College) را به عهده می‌گیرد.
- ۲۰۱۴-۱۹۸۴: به کارش در دانشگاه پایان می‌دهد و نوشتن آثارش را ادامه می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۷).

هوگارت و مطالعات فرهنگی:

هوگارت، تحلیل گر و مورخ انگلیسی فرهنگ طبقه کارگر، آموزش و رسانه‌های همگانی؛ یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در شکل‌گیری و بسط مطالعات فرهنگی در بریتانیاست (بهروش، ۱۳۸۷). اهمیت هوگارت به دلیل مطرح کردن سوالات جدید درباره رابطه سواد و رسانه‌های مدرن است.

مکتب بیرمنگام:

«تأسیس مرکز مطالعات فرهنگی معاصر» که در واقع پایه‌گذاری یک نوع اندیشه جدید بود، توانست شرایط را برای شکل‌گیری «مکتب بیرمنگام» فراهم کند و در تقابل با نوعی از تفکرات بود که در آن زمان در مکتب فرانکفورت وجود داشت. برخلاف مکتب فرانکفورت، که به فرهنگ عامه نگاه از «بالا» به «پایین» داشته است، در مطالعات فرهنگی بریتانیا اعتقاد بر این است که باید بتوان کارگران و سلاطین آنها در زمینه مصارف فرهنگی را به همان صورتی که وجود دارد شناخت و بررسی کرد. در واقع مکتب بیرمنگام بر این موضوع تأکید داشت که، باید فرهنگ مردم و یا «فرهنگ عامه» را به عنوان یک موضوع، مورد بررسی قرار داد و نباید با بی‌ارزش کردن آن به برخورد با آن پرداخت. آنچه هوگارت در مرکز مطالعات فرهنگی معاصر بر آن تأکید داشت تلاش برای شناخت و بررسی این فرهنگ است (رضایی، ۱۳۸۶).

موضوعات مهم:

یکی از موضوعات اساسی هوگارت در آثارش ارتباط میان هنر و جامعه بوده است. **مفهوم هنر:** در نظریات او بیشتر بر موضوع امکان گفتگو و روابط میان افراد و ایجاد فرهنگ انسانیت مشترک تأکید دارد. برای رسیدن به چنین وضعیتی است که هوگارت آموزش را امری می‌داند که از طریق آن افراد تشویق به زندگی کامل تر و درک رابطه با دیگران می‌شوند. (پورنگ، ۱۳۸۳: ۸۴)

آگاهی انتقادی:

سواد نقادانه: داشتن سواد انتقادی یا در واقع یک نوع آگاهی انتقادی به این معناست که مردم بیاموزند چگونه ذهن دقیق و نکته‌سنجی داشته باشند و از نزدیک به جامعه نگاه کنند و درباره آن سوالاتی مطرح کنند (محمد رضایی، همان، ص ۳۵۳).

هوگارت خود را مدافع ترویج حساسیت و آگاهی انتقادی از طریق آموزش جهت مقاومت مردم در برابر اغواگری‌های دخل و تصرف کنندگان در ارتباطات توده‌ای می‌داند. به گفته‌ی او، هدف آموزش باید انتقال فرهنگ باشد، اما نه به معنای محدود آن که کسب آداب و رسوم خاص است، بلکه به معنای «رشد تخیلی مسئول و پاسخگو» (جانسون، ۱۳۷۸: ۲۰۷). راه حل هوگارت، گریز از مدرنیته‌ی پیشرفته و بازگشت

به عصر نوستالژیک سنت‌های طبقاتی است؛ عصری که بزرگترها بر گروه همالان و نفوذهای رسانه ای، غلبه و برتری داشتند (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

ریچارد هوگارت یکی از چهره های مطرح و پیشرو در رشته «مطالعات فرهنگی» است. او در آثار خود به موضوعاتی مثل فرهنگ عامه، رسانه‌های همگانی، ادبیات، فرهنگ طبقه کارگر، و بسیاری دیگر از موضوعات پرداخته است. بسیاری از آثار او مانند «زندگی‌نامه‌های خودنوشت» تجربه‌های شخصی او را در زندگی بیان می‌کند. چون او در یک خانواده متعلق به طبقه کارگر متولد شده و بالیده بود همواره از تجربه‌های خود در آثارش استفاده می‌کرد. به همین دلیل، آثار وی رنگ تجربه‌های زندگی‌اش را دارد. او وجوه مختلف این تجربه را به شکل‌های متنوع در آثارش بررسی کرده است (رضایی، ۱۳۸۶).

آثار:

نزدیک به ۲۵ اثر از هوگارت منتشر شده است که هیچ کدام از آنها به فارسی ترجمه نشده است.
Hoggart, R (1957), *The Uses of Literacy*, London: Chatto & Windus .

کاربردهای سواد

کاربردهای سواد [۱] (۱۹۵۷) مهم ترین و مشهورترین کتاب ریچارد هوگارت است. هوگارت این اثر را، در سال ۱۹۵۷، پس از شروع کارش در دانشگاه‌ها، و همچنین تدریس در کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان نوشته است. این کتاب در شکل‌گیری رشته «مطالعات فرهنگی» تأثیرگذار بوده است. مباحث اصلی این کتاب از تجربه‌های شخصی و چالش‌های او در زندگی خانوادگی‌اش شکل گرفته است، اندیشه‌های هوگارت تحت تأثیر زندگی او در خانواده‌ای بوده که به طبقه کارگر تعلق داشته است. این کتاب شامل دو بخش کلی است:

بخش یکم: این بخش شامل مطالبی درباره تفسیر زندگی طبقه کارگر و فرهنگ آنان و زمینه‌هایی است برای مباحث اصلی کتاب (رضایی، ۱۳۸۶).

بخش دوم: این بخش بدنه اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد. باید یادآور شد که هوگارت نخست این بخش از کتاب را نوشته است، و پس آن، بخش نخست را بدان افزوده است. موضوع اصلی این بخش ارتباط طبقه کارگر با رسانه، فرهنگ و ادبیات است.

در واقع، هوگارت کوشیده است تغییراتی را که در جامعه در حال شکل‌گیری بوده است در این کتاب گزارش و بررسی کند.

همانطور که خود هوگارت هم عنوان می‌کند: «در ابتدا هدف از این کتاب ارائه دستورالعملی برای معلمان در زمینه آموزش بزرگسالان بود» (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵۵). سپس، وی این ایده را گسترش می‌دهد و موضوعات دیگر را نیز مطرح می‌کند.

هوگارت در کتاب کاربردهای سواد (۳) رشد فزاینده ی افراد باسواد و ثروتمند در انگلستان در دهه ی ۱۹۳۰ را علت فقدان احساس تعلق به گذشته می داند. وی می گوید اگر هنوز بعضی از گروه های جوان بعضی از آوازهای پدربزرگ ها و مادربزرگ ها را می خوانند، به این خاطر است که این آوازاها را مستقیماً از آن ها آموخته اند و برای آموزش و یادگیری این آوازاها تلاشی نکرده اند.

او علت این وضعیت را غیرطبقاتی شدن فرهنگ می داند؛ چنان که اذعان می دارد طبقه ی کارگر همگام با گروه های بسیار مرفه، به لحاظ فرهنگی بی طبقه شده است؛ زیرا رسانه های جمعی همانند اشعار و آوازهای عامه پسند، قادر به مرزبندی طبقاتی مخاطبان نیستند. رسانه های جمعی، به معنای واقعی کلمه، وسایل پخش عمومی هستند.

کاربردهای سواد اشکال احساسی، جعلی و سطحی سرگرمی های جمعی را زیر سؤال می برد. وی بعداً (۲۰۰۴) مضامین مربوط به رسانه های جمعی را به توده یعنی جامعه ی به لحاظ فرهنگی محروم و فاقد حس تعلق و هویت، تعمیم داد. راه حل پیشنهادی او چنین است: وسایل پخش باید در سطح محلی باشد و مردم در اداره و تأمین محتوای آن مشارکت داشته باشند (مهدی زاده، ۱۳۹۲).

به نظر هوگارت رسانه های چاپی جدید به فرهنگ قدیم طبقه کارگر صدمه وارد کرده است. هوگارت نیز مانند لیویس قائل به نظریه انحطاط فرهنگی بود اما از دید هوگارت فرهنگ طبقه کارگر بود که باید (به جای مرثیه خوانی برای آن) تمجید می شد نه فرهنگ اقلیت تیز هوش (میلنر و جف، ۱۳۸۵: ۶۶).

نظراتی درباره کاربردهای سواد:

«اثر کلاسیک و مهم هوگارت جایگاه ثابتی در بین کتاب های برتر قرن بیستم دارد. او در این کتاب تصویری دقیق از زندگی شهری طبقه کارگر بریتانیا در سالهای سردرگمی پس از جنگ جهانی دوم ارائه می دهد» (TheGuardian, 2014).

«با وجود عنوان کتاب که کاربردهای سواد است هوگارت کمتر به وضوح به موضوع سواد می پردازد اما این موضوع را مطرح می کند که سواد و ضعیف تر شدن آن در افراد جامعه از تأثیرات نشریات و داستان های عامه پسند است» (Nante, 2007).

Hoggart, R., (1995), *The Way We Live Now*, London: Chatto & Windus.

«شیوه زیستن کنونی ما»

بعد از کتاب کاربردهای سواد، کتاب شیوه زیستن کنونی ما [۳] (۱۹۹۵) یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین کتاب های هوگارت همین کتاب است. در این اثر نویسنده سعی می کند به درک جدیدی از زندگی بشر در آغاز قرن بیستم برسد.

با توجه به سال انتشار این اثر، می‌توان این کتاب را در زمره آثار قرار داد که شامل نقد مسائل جامعه انگلستان در شروع دوره «تاجریسم» می‌شود. آموزش، هنر، برنامه‌سازی در رسانه‌های همگانی مانند رادیو و تلویزیون، تغییراتی که در زبان و به طور کلی در فرهنگ به وجود آمده، به‌خصوص نحوه برخورد با طبقات، معنای «انگلیسی بودن»، و جایگاه روشنفکران در زندگی انگلیسی‌ها از جمله مباحثی است که هوگارت در این کتاب دنبال می‌کند. در واقع، همه این موضوعات هم‌زمان با موجی از جنبش‌های آزادی‌خواهانه در قرن بیستم، رفته‌رفته در کتاب روشن‌تر می‌شود و در کنار هم قرار می‌گیرند (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R. , (1999), First & Last Things, London: Aurum press.

«اولین و آخرین چیزها»

هوگارت در اولین و آخرین چیزها [۴] (۱۹۹۹) سعی می‌کند در این کتاب که نوعی زندگی‌نامه خودنوشت اوست، سوالات مهمی درباره جامعه و طبقات، در عصر سرمایه‌داری مطرح کند. سعی می‌کند پرسش‌هایی حساس مطرح کند، بدون آنکه مدعی دانستن پاسخ دقیق و کامل این پرسش‌ها باشد. این پرسش‌ها درباره این موضوعات‌اند: مشکل ایمان و اعتقاد، طبیعت جامعه و طبقات اجتماعی در سال‌های اوج سرمایه‌داری، اهمیت خانواده و دوستان، ارزش و اهمیت ادبیات (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2001), Between Tow Worlds, London: Aurum Press.

«در میان دو جهان»

کتاب در میان دو جهان [۶] (۲۰۰۱) مجموعه مقالاتی است که در آن هوگارت به موضوعات مهمی همچون فرهنگ در جامعه، اهمیت ادبیات و آموزش و ارتباط آن با زندگی روزمره می‌پردازد (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2003), Everyday Life & Everyday Language, New Jersey: Trasaction Publishers.

«زندگی روزمره و زبان روزمره»

کتاب زندگی روزمره و زبان روزمره [۵] (۲۰۰۳) در ۱۸۱ صفحه نگاشته شده است. او در این کتاب سوالات مشخصی را دنبال می‌کند:

- تا چه اندازه طبقات اجتماعی مختلف در انگلستان زبان گفتاری مشترکی دارند؟
 - و اگر تفاوتی وجود دارد این تفاوت ناشی از چیست؟ موقعیت، شغل، سن و یا طبقه اجتماعی؟
- او به شناسایی شیوه گفتار و نکات و اختلافات ظریفی روی می‌آورد که در نحوه گفتار طبقه کارگر انگلستان وجود دارد.

، موضوع در اینجا تفاوت‌هایی است که این طبقه با آنها شناخته می‌شوند. عنوان بخش‌هایی از کتاب عبارت‌اند از

- «مشخصه‌ها و ویژگی‌های زبان»؛

- «طبقات و گروه‌ها»؛

- «فقر و زبانش»؛

- «کنار آمدن با فقر» (رضایی، ۱۳۸۶).

Hoggart, R (2004), *Mass Media in A Mass Society*, A & C Black.

«رسانه‌های همگانی در جامعه توده‌ای»

در این کتاب با در نظر گرفتن جنبه‌هایی از زندگی امروزی این تناقض بررسی می‌شود که آیا در دسترس بودن راحت‌تر اطلاعات لزوماً باعث فهم بهتری از دنیا می‌شود.

نویسنده در این کتاب به راه‌هایی که رسانه‌های همگانی از طریق آنها، در قرن بیست و یکم، مخاطب را از سویی به سمت فهم بیشتری از زندگی مدرن سوق می‌دهند، و از سویی دیگر، او را از این کار باز می‌دارند. در واقع، او این تناقض را بررسی می‌کند که دسترسی آسان به انواع مختلف و متنوعی از اطلاعات لزوماً نمی‌تواند به معنای رسیدن به درک بهتری از جهان اطراف باشد.

این حجم اطلاعات فقط در شرایطی می‌تواند منجر به دانش شوند و مفید باشند که بتوان به آنها نظم داد و آنها را تبدیل به سرمایه کرد. تأکید اصلی این کتاب بر برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون، و حجم اطلاعات برآمده از آنهاست. او با انتقاد از سیاست‌هایی که تنها هدف برنامه‌سازی را سرگرمی می‌داند بحث خود را در این کتاب پی می‌گیرد. (رضایی، ۱۳۸۶).

هوگارت، کارکرد رسانه‌های جمعی را دخل و تصرف در فرهنگ اصیل و رواج فرهنگی مصنوعی، بی‌رنگ و رو و پیش پا افتاده می‌داند.

فرهنگ برآمده از رسانه‌های جمعی، فرهنگ توده‌وار است که سیراب‌کننده‌ی روح نیست، بلکه تجارت زده و انتزاعی است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲).

لزلی جانسون با اشاره به آراء هوگارت در نقد فرآورده‌های رسانه‌های جمعی می‌نویسد: «اغلب سرگرمی‌هایی که رسانه‌ها برای توده‌ی مردم تدارک می‌بینند، «ضد زندگی»، پر از زرق و برق، دارای جاذبه‌های سوء و فاقد مسئولیت‌های اخلاقی هستند. سرگرمی‌ها مبلغ این نظرند که پیشرفت یعنی به دنبال مالکیت‌های مادی رفتن، برابری یعنی یکسان بودن ارزش‌های اخلاقی و آزادی یعنی زمینه‌ای برای ارزش‌های بی‌قید و بی‌پایان» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۲).

Hoggart, R (2005), *Promises to Keep: Thoughts in Old Ages*, London: Bloomsbury Publishing.

«عهدهایی برای به یاد سپردن»

کتاب عهدهایی برای به یاد سپردن [۷] در سال ۲۰۰۵، زمانی که هوگارت ۸۶ ساله بود منتشر شد. او در این کتاب با بازگشت به گذشته و نگاه دوباره به آن، ویژگی‌های انسانی‌ای را، که بیش از همه برای او معنا داشته است، یادآور می‌شود. او، مثل گذشته، به موضوع «استفاده از زبان» و «ادبیات» می‌پردازد. و همچنین موضوعاتی دیگری مثل کارکردهای خاطرات، اهداف آموزش، محبت، و خیرخواهی را نیز بررسی می‌کند. در ادامه، او وقایع و عقاید عمومی را که مورد علاقه‌اش بود و ارتباط آنها با زندگی شخصی و خانوادگی‌اش را توضیح می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۶).

نتیجه گیری:

هوگارت بر خلاف سنت‌های اهل ادب، احساس همدلی و وحدت بیش تری با مردم و توده‌ها دارد و دغدغه بین فرد و جامعه را هم داشت. هوگارت برخلاف روشنفکران اهل ادب تصور نمی‌کرد هنرها ضرورتاً به کرداری بهتر در جامعه منجر شوند بلکه معتقد بود آثار هنری و ادبی، فقط تخیل انسان‌ها را تقویت می‌کند که می‌تواند نیکوتر و بهتر باشد. مسئله اساسی هنرمندان زمان خود را: فاصله آنان با مردم می‌دانست و اعتقاد داشت این فاصله دوری است. به اعتقاد هوگارت اهمیت هنر در عامل تمدن‌سازی برای فرد و جامعه است و افزایش استعداد و آگاهی اخلاق انسان در جامعه اهمیت اساسی دارد. هدف نهایی آموزش، تشویق افراد به کسب زندگی کامل‌تر و تصمیم‌گیری مستقل‌تر است. هوگارت فرهنگ توده را به تمامی محکوم نمی‌کند و پیشنهادش این است که صحبت در باب فرهنگ توده را متوقف کنیم و به آن مانند فرهنگ ترکیبی یا فرهنگ تدارک دیده شده نگاه کنیم (میلنر، براویت، ۱۳۸۵).

فهرست منابع و مآخذ

- میلنز، اندرو؛ براویت، جف، (۱۳۸۵)، درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران، نشر ققنوس.
- رضایی، محمد، (۱۳۸۶)، مطالعات فرهنگی: دیدگاه‌ها و مناقشات، تهران: جهاد دانشگاهی .
- پورنگ، حمید، (۱۳۸۳)، «منتقدان فرهنگ: روشنفکران اهل ادب»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۹، ص ۸۴-۸۱
- مهدی زاده، سید محمد، (۱۳۹۲)، «ریچارد هوگارت: فرهنگ توده وار»، دسترسی اسفند ۹۹
<https://rasekhoon.net/article/show/726268>
- بهروش، میثم، (۱۳۸۷)، «آشنایی با زندگینامه و آراء ریچارد هوگارت ۱۹۱۸، دسترسی اسفند ۹۹
<https://www.hamshahrionline.ir/news/51092> ،
- ___ Bailey, M. , “Richard Hoggart: Cultural Critic and Educationalist”, 2014, Open Democracy, <https://www.opendemocracy.net/ourkingdom/michael-bailey/richard-hoggart-cultural-critic-and-educationalist-24-september-1918-10-ap>, دسترسی اسفند ۱۳۹۹
- ___ Ezard, J. , “Richard Hoggart obituary”, 2014, The Guardian, <http://www.theguardian.com/books/2014/apr/10/richard-hoggart>, دسترسی مهر ۱۳۹۳
- ___ Grossberg, L. , (2014), “A Special Editorial”, Cultural Studies, 29(2), 105-7. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/09502386.2014.988919> دسترسی اسفند ۱۳۹۹
- ___ Hilliard, Ch. , (2014), “Whose Candyfloss”, London Review of Books, 36(8), 35-37, <https://www.lrb.co.uk/the-paper/v36/n08/christopher-hilliard/whose-candyfloss>, دسترسی اسفند ۱۳۹۹
- ___ Hodgson, J, “Richard Hoggart, Review”, 2007, National Association for The Teaching English, <http://www.nate.org.uk/>, دسترسی آبان ۱۳۹۳
- ___ McGrath, J, “Richard Hoggart’s legacy and New Uses of Literacy”, 2014, Roman & Littlefield, <http://www.rowmaninternational.com/news/richard-hoggarts-legacy-and-the-new-uses-of-literacy> , دسترسی اسفند ۱۳۹۹
- ___ Simkin, J. , “Richard Hoggart”, 2014, <http://spartacus-educational.com/HIShoggart.htm> , دسترسی اسفند ۱۳۹۹